



سخنی کوتاه درباره

سرزمین قدس شریف و مسجد الاقصی

(به مناسبت انتفاضه اقصی)

تألیف و تنظیم: عبدالرحمن پیرانی

سخنی کوتاه درباره

سرزمین قدس شریف

و

مسجد الاقصی

(به مناسبت انتقاله اقصی)

تهیه و تنظیم: عبدالرحمن پیرانی

تهران ۱۳۷۹

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى
الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (الإسراء/ ١)

منزه است آن(خدایی) که بنده‌اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی
مسجدالاقصى -که پیرامون آن را برکت داده‌ایم- سیر داد، تا از نشانه‌های خود به او
بنمایانیم، که او همان شنوای بیناست.

وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ
عُلُوًّا كَبِيرًا (الإسراء/ ٤)

در کتاب(تورات) به بنی اسرائیل اعلان کردیم که دوباره در زمین تباهی و فساد
می‌ورزید و به برتری بزرگی نایل و عدوان و جور را به نهایت می‌رسانید.

أَلَمْ نُهَلِكِ الْأَوَّلِينَ (الإنسان/ ١٦)

ثُمَّ تَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ (الإنسان/ ١٧)

كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ (الإنسان/ ١٨)

آیا ما پیشینیان بزهار تکذیب‌کننده دین را نابود نساخته‌ایم؟

و سپس پسینیان را دنبالش روانه نکرده‌ایم؟

با گناهکاران چنین رفتار خواهیم کرد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين الذي تكفل بنصرة دينه و الحافظ على كتابه، و الصلوة و السلام على أشرف المرسلين و خاتمهم محمد بن عبدالله، الذي بشرنا بظهور هذا الدين و استمراره الى أن يأتي أمر الله (أي الساعة) و دعانا الى التمسك و الاعتصام به و بسنته المطهرة من خلال عقيدة التوحيد التي وحدت الامّة بعد تفرق و تشرذم و رفعت من شأنها في العالمين و على ساير اخوانه من التبيين و على آله و اصحابه اجمعين.

در آستانه‌ی فرا رسیدن روز جهانی قدس هستیم. روزی که در آن ملت‌های مسلمان همراه ملت مسلمان و بزرگ ایران و به نشانه‌ی همراهی و همدلی با ملت مبارز و انقلابی فلسطین هر کدام به گونه‌ای احساسات انسان‌دوستانه و مردمی خود را ابراز داشته و از ظلم و ستم غاصبانی که با پشتیبانی استکبار جهانی ملت مسلمان فلسطین را تحت فشار قرار داده‌اند، انزجار و تنفر خود را اعلام می‌دارند.

بدین ترتیب مسأله‌ی فلسطین، یک موضوع جهانی و بین‌المللی است که دل تمام آزادگان و آزادی‌خواهان جهان را به خود مشغول کرده است. با این حال

سهم جهان اسلام و مسلمانان بسی بیشتر از دیگران و مسؤولیت یکایک آنها در این باره به مراتب فراتر از اقوام و ملل دیگر است.

فاجعه‌ی دردناک غصب و اشغال فلسطین قبله‌ی اول مسلمین از ناگوارترین و تلخ‌ترین حوادثی است که تاریخ اسلام تاکنون به خود دیده‌است. با آنکه این حادثه اولین و تنها حادثه‌ی خونباری نیست که مسلمانان در سرگذشت پرفراز و نشیب تاریخی خود با آن روبرو بوده‌اند، و قبل از آن با حمله‌ی ددمشانه‌ی مغولان، حادثه‌ی دلخراش مسلمانان اندلس، کشتار مسلمانان در هنگام استقلال پاکستان و... هزاران هزار حادثه و فاجعه‌ی غیرانسانی دیگر روبرو شده‌اند، با این همه این حادثه از ناگوارترین حوادث تاریخ اسلام و مسلمین است. اگر چه مسلمانان در گذشته نیز با چنین فجایع و حوادث دلخراشی درگیر بوده‌اند اما هرگز این چنین طعمه‌ی غصب و اشغالی نشده‌اند که تمام موجودیت و هویت آنها را زیر سؤال ببرد و بر مفاهیم و اصطلاحات اعتقادی و عملی آنها نیز هزاران علامت ابهام و تعجب بگذارد.

به راستی که مسأله‌ی فلسطین مسأله‌ای است که یکباره تمام ادعاهای مسلمانان و سردمداران اسلامی را به چالش کشانده و آنها را در موضع انفعال قرار داده است. به طوری که گویی سهم آنها در مسأله‌ی فلسطین سهم یک ناظر بی طرف یا یک مؤید بی هدف است که بود و نبود فلسطین یا جهت‌گیری مسایل مربوط به آن چندان فرقی به حال برنامه‌ها و اصول موضوعه‌ی ایشان نمی‌کند!!!

اهالی جهان سیاست و سیاست‌بازان بین‌المللی نیز که همواره خود را ستایشگر پیکره‌ی زیبای آزادی و عدالت و دموکراسی و گفتگو می‌دانند در قبال مسأله‌ی فلسطین چنان دوگانه و متناقض عمل می‌کنند که گویی جهان و هر چه در آن است جز مشت‌آدمک‌های بی‌جان و اراده یا عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی

نیستند که جز با میل و اراده‌ی آن حضرات هیچ جنب و جوشی ندارند. غافل از اینکه با این رویه‌ی یک بام و دو هوا، نه تنها مشروعیت حکمرانی خود را زیر سؤال می‌برند، بلکه حقانیت مفاهیم مورد ادعایی را نیز که همواره سنگ آن را به سینه می‌زنند، چنان خدشه دار و مکدر می‌نمایند که در درازمدت آنها را با خلأ اصطلاحات روبرو خواهد کرد. با آنکه این گونه مجامع و مجالس از چندین کلمه و اصطلاح کلیشه‌ای و همیشگی نظیر "تأیید کرد"، "تأکید کرد" و "محکوم کرد" و... یا حرف دیگری برای گفتن ندارند، با این حال حتی از نثار! چنین اصطلاحاتی هم در مورد مسأله‌ی فلسطین خودداری می‌کردند. گویی در محکومیت جنایات غیر انسانی صهیونیست‌ها و حامیان آنها تردید داشتند.

البته سرزدن چنین اموری از غیر مسلمان به علت بیگانگی آنها با روح دین اسلامی و امت مسلمان امری کاملاً طبیعی است و از آنان انتظاری بیش از این نمی‌رود اما اینکه خود مسلمانان در برخورد با مسأله‌ای که با کیان و موجودیت آنها در ارتباط است، عملکردی مشابه بیگانگان داشته باشند بسی مایه‌ی تعجب و تا حدود زیادی جای سؤال است. چگونه یک مسلمان می‌تواند، مسایل و مشکلات برادر و خواهر مسلمان خود را نادیده بگیرد؟ و بی‌توجه باشد؟ حل ناگواریهای زندگی آنها برایش فرقی نکند؟ چگونه راحت باشد وقتی که می‌بیند که همکیشان او در میان خروارها گلوله‌ی توپ و تانک لحظه‌ای آرام و قرار ندارند؟ چگونه می‌توان آرام گیرد در صورتی که قبله‌ی اول مسلمین و سرزمین معراج پیامبرش ﷺ اسیر دشمن دین و عقیده‌اش باشد؟ و... که پاسخ گفتن بدانها بسیار غیرت و شهامت می‌خواهد.

اکنون جای آن است در وجود خودمان و در هویتی که مدعی آن هستیم، بازنگری کنیم تا ببینیم اعمال ما با عقایدمان تا چه اندازه همخوانی دارد؟ و

ببینیم که آیا می‌توان با عقاید اسلامی خود این‌گونه اعمال، برخوردها و جهت‌گیری‌ها را توجیه نماییم؟...

پیش از هر چیز ما نوادگان «لا اله الا الله و محمد رسول الله» هستیم. این سخن عظیم و گران‌سنگی است که میان معتقدان خود پیوند و رابطه‌ی وسیع و وثیقی برقرار می‌نماید که در استحکام و قوت گمان نمی‌رود همتا و نظیری داشته باشد. این سخن و گفتاری است که زمانی برای اولین بار به زبان آورده شد که جهان و هرچه در آن است یکسره کهنه، نابود، خسته‌کننده، بی‌تحرک، ایستا، آزارنده، جان‌فرسا، و... بود. به طوری که اهل زمانه از وجود خود و اعمال و رفتاری که انجام می‌دادند کاملاً خسته شده بودند. تمام درهای گشایش و آسایش راستین به روی آنها بسته بود و همه از وضعیت موجود به ستوه آمده بودند و از صمیم وجود خود آرزومند سرزدن سپیده‌ی آزادی، اتحاد، تعاون، صلح و صفا و... بودند و برای طلوع آن لحظه شماری می‌کردند؛ چرا که زندگی بر گردن آنها وبالی شده بود که هر لحظه از ته دل رهایی از دست آن را آرزو می‌کردند.

جهان به جولانگاه و تاختگاه قدرتهای مختلفی تقسیم شده بود که آسایش و راحتی را از چهره‌ی زمین و زمان بر گرفته بودند. در چنین ایام و لحظاتی که خداوند آن را به... شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ... [۱] توصیف می‌کند، نوری از افق رحمت الهی درخشیدن گرفت و به دل‌های خسته، رنجور و ناتوان مردم جان تازه‌ای داد و از همه مهمتر صف‌های متفرق و پراکنده‌ی آنها را که نتیجه‌ی بلا فصل جدایی دل‌ها از هم بود با هم متحد و یکپارچه ساخت و کاری کرد که پس از عداوت و دشمنی دیرینه‌ای که ناشی از محرومیت از هدایت الهی بود، برادر شوند و به

فرمان قرآن: ...وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا... [۲].

بدین ترتیب در سایه‌ی چنین نعمتی، جماعت و جمعیتی پدید آمد که همه با هم یک صدا و یک جهت تحت فرماندهی پیامبر عظیم‌الشان اسلام حضرت محمد ﷺ که برای آنان... أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ... [۳] بود، برای تحقق بخشیدن به رسالتی که عهده‌دار ابلاغ آن شده بود، آستینها را بالا زده و با پشت سر نهادن موانع و مشکلات متعددی که در مسیر دعوت آنان قرار داشت، توانستند پایه‌های امپراطوری عظیم اسلامی را بنا نهند و بدین ترتیب به زمان و زمین اثبات‌کننده که برای جهان و جهانیان حرفهای تازه‌ای برای گفتن دارند. این است که خداوند آنها را با انحصاری‌ترین توصیف می‌ستاید و می‌فرماید: كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ... [۴].

البته این هم طبیعی‌ترین ثمره‌ی اعتقاد به وحدانیت الهی، رسالت پیامبر ﷺ و الگو قرار دادن او و تحقق بخشیدن به لوازم و مصادیق اخوت اسلامی است؛ چرا که: (انما المؤمنون إخوة...) [۵].

بدین ترتیب اعتقاد به (لا اله الا الله و محمد رسول الله) مؤمنان به نه تنها به هم مرتبط و هماهنگ ساخت بلکه آنها را با نیرو و توان خارق‌العاده‌ای وارد تمام میادین حرکت و فعالیت انسانی نمود و آنها را از حاشیه‌ی تاریخ خارج ساخت و جای مهم و درخوری را در متن و سرلوحه‌ی تاریخ جدید برای آنها احراز کرد.

اما همچنان که گفته شد، این امر در سایه‌ی اعتقاد به (لا اله الا الله) تحقق پیدا کرد نه فقط بر زبان آوردن آن. چنان اعتقادی که قلب را ملامت از یقین و

عمل به مقتضای آن می‌نمود و البته چنین اعتقادی قطعاً زبان را نیز به تحرک وادار می‌دارد. این اعتقاد، اصلی‌ترین عامل خلق شگفتیهای تاریخ اسلامی بود. و بدین ترتیب سزاوار تحقق یافتن وعده‌ی استخلاف الهی شد. آنها امتی بودند که با تمام وجود در تمام عرصه‌های عالم واقعی حضور داشت، با این حال در عالم ایده‌ها و اعتقادات خود نیز در پرواز بود.

اما امروز وضعیت به گونه‌ی دیگری شده است و فاصله‌ی عقیده و عمل طولانی‌تر از آن است که تصور می‌شود، شکافی چنان عظیم که باور کردنش چندان ساده و آسان نیست. فاصله‌گرفتن امت اسلامی از عقاید و آرمانهای اصیل اسلامی خود آنها را از هر لحاظ با بحران مواجه ساخته است و از همه مهمتر آنها را از هر لحاظ با بحران مواجه ساخته است و از همه مهمتر آنها را چنان گرفتار کرده است که حتی توان دفاع از موجودیت خود را نیز به آسانی ندارند. واقعیت اسفبار موجود جهان اسلام نمونه‌ی عینی و شاهد صادقی است که بدون هیچ شرح و تفسیری خود گویای همه چیز است.

زمانی که امت اسلامی از اخوت دست برداشت و با نادیده گرفتن سفارشهای اکید قرآن، سنت مطهر نبوی ﷺ و علمای راستین امت اسلامی مبنی بر وحدت کلمه، راه تفرقه و جدایی را در پیش گرفت، عملاً زمینه‌ی شکست، اسارت و انحلال خود را فراهم ساخت و با این کار ناچار به پذیرش واقعیت‌هایی شد که قبلاً هرگز به آنها فکر نکرده بود.

گرفتار شدن امت مسلمان به دست اقلیتی که در تاریخ همواره مُهر ننگین ضعف و ذلت و خواری را بر پیشانی خود داشته است، گواهی است که نشان از اوج (و در حقیقت قعر) ضعف ملت مسلمان می‌باشد؟

اکنون جای آن است که مسأله‌ی یهود، صهیونیست‌ها، فلسطین و مسلمانان را یک بار دیگر به هم مرور کنیم و احساس ایمانی خود را در پیوند با آن محک بزنیم.

قدس در فهم و اندیشه‌ی انسان مسلمان، به عنوان قبله‌ی اول مسلمین و سومین حرم شریف، سرزمین اسراء و معراج پیامبر اسلام، محل نزول وحی، مهد ظهور رسالت آسمانی و...، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است.

در حال حاضر نیز با توجه به دشمنیهای دیرینه‌ی قوم یهود نسبت به مسلمانان، تجاوز صهیونیست‌ها و اشغال و آواره ساختن ساکنان آن، ایجاد دولت صهیونیستی به عنوان پایگاه کفر و نفاق و آشوب در خاورمیانه و عاملی برای تضعیف ملتها و دولتهای منطقه و...، توجه و حساسیت مسلمانان نسبت به قدس و مسایل آن چند برابر شده و اصولاً جهت دیگری پیدا کرده است.

از این‌رو فلسطین اولین و مهمترین مسأله‌ی امت اسلامی است و رابطه‌ی آن با جهان اسلام تنها یک رابطه‌ی عادی و برآمده از معادلات دیپلماسی یا حسّ همجواری و...، نیست، بلکه برای مسلمانان آگاه و روشن‌فکری که از دید اعتقادی به جهان اسلام می‌نگرند، رابطه‌ی فلسطین با دنیای اسلام، رابطه‌ی یک عضو با اعضای یک پیکر واحد است.

ماهیت قوم یهود نیز آشکارتر از آن است که نیازی به تعریف داشته باشد. اما از آنجایی که مسأله به اسلام و مسلمین مربوط می‌شود، باید دید که این قوم در طول تاریخ اسلامی، چگونه برای مسلمانان جلوه کرده است.

خداوند متعال بارها در قرآن به معرفی سیمای حقیقی این قوم پرداخته و آنان را به عنوان بزرگترین دشمنان خدا، پیامبر و امت مسلمان شناسانده است و فرموده است: (لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ...).

این قوم نسبت به خداوند بزرگ و پیامبران الهی و پیروان اسلام مرتکب جرایم متعددی گشته اند که آوردن نمونه‌های عینی پرونده‌ی سیاه تبهکاریهای آنها در این مختصر نمی‌گنجد و در اینجا صرفاً به پاره‌ای از ستم‌ورزیهای آنها به صورت اختصار اشاره می‌شود.

الف) در حق خداوند بزرگ:

نسبت دادن فرزند به خداوند و...

[قَالَتِ الْيَهُودُ عَزِيزٌ اِبْنُ اللّٰهِ] [۶]

[اِنَّ اللّٰهَ فَكِيْرٌ وَّ نَحْنُ اَغْنِيَاءُ] [۷]

[يَدُ اللّٰهِ مَغْلُوْلَةٌ...] [۸]

ب) در حق انبیاء عظام الهی:

قوم یهود در حق رسولان نیز مرتکب جرایم فراوانی شده‌اند از جمله قتل

انبیاء، تکذیب آنها، استهزا، لجاجت و...

[وَ اِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسٰى... ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَانُوْا يَكْفُرُوْنَ بِآيٰتِ اللّٰهِ وَيَقْتُلُوْنَ النَّبِيِّنَّ

بِغَيْرِ الْحَقِّ ذٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَّكَانُوْا يَعْتَدُوْنَ] [۹]

امام ابن کثیر در تفسیر این آیه فرموده است: «از ابن مسعود نقل شده که

قوم یهود ۳۰۰ نفر از پیامبران را شهید کرده‌اند» [۱۰].

ج) جرایم قوم یهود نسبت به مسلمانان:

قوم یهود نسبت به مسلمانان نیز مرتکب جرایم متعددی شده‌اند که از زمان پیامبر ﷺ شروع و تا کنون نیز ادامه دارد. آنها در طول تاریخ نسبتاً طولانی روابط خود با مسلمانان بی‌دری پی‌درپی حادثه آفریده و فساد ایجاد کرده‌اند.

از تکذیب پیامبر، نقض عهد و پیمان، ایجاد جنگ، خیانت یهود بنی قریظه و تلاش در جهت به قتل رساندن پیامبر و مسموم کردن وی گرفته تا شهادت عمر بن الخطاب و عثمان بن عفان و علی بن ابی طالب و تلاش در جهت ایجاد فتنه و اختلاف میان صفوف مسلمین. و... تشکیل رژیم صهیونیستی و دولت غاصب در سرزمین فلسطین و تخریب مساجد و کشتار مسلمانان در صبرا و شتیلا و دیر یاسین و کشتار مسجد الخلیل و فرزندان انتفاضه خونین قدس و... همه و همه گوشه‌ای از صفحات ننگین و سیاه کارنامه‌ی ظالمانه، غاصبانه و ستمکارانه‌ی قوم یهود و مدافعان و حامیان آنهاست که نشان از حقد و کینه‌ی دیرینه‌ی آنها و همدستانشان نسبت به دین و امت اسلامی است. جنایات صهیونیست‌ها در حق مسلمانان، چنان وحشیانه و نابکارانه بوده که بارها مردمانی از خود آنها که هنوز نور وجدان و انصاف در وجودشان رو به خاموشی نهاده است و به انتقاد از عملکرد حامیان یهود و صهیونیست‌ها پرداخته‌اند. اعمالی که هیچ توجیه سیاسی یا مانور دیپلماسی و... نمی‌تواند لکه‌ی ننگ آن را از صورت کریه عاملان آن بزدايد.

آمال و آرزوهای بزرگ قوم یهود

- ۱) ایجاد دولتی بزرگ در قلب دنیای اسلام، از نیل تا فرات.
 - ۲) تقسیم دولت‌های عربی و اسلامی منطقه به چند دولت کوچک و ایجاد فتنه و اختلاف به نام اقلیت‌های قومی و مذهبی و...
 - ۳) تخریب مسجد الاقصی و انتقال پایتخت بدان جا و بنای هیکل سوم [۱۱].
- (نابود ساختن اسلام و برداشتن روح دشمنی نسبت به قوم یهود.

برآورده شدن آمال قوم یهود

واضح است قوم یهود در تحقق بخشیدن به آمال بزرگ خویش موفقیت‌های بسیاری را کسب کرده است از جمله:

تشکیل حکومت غاصب صهونیستی در سرزمین فلسطین و مسلط شدن بر مسایل فرهنگی، اقتصادی و سیاسی امت اسلامی در خاورمیانه و برای تحقق این امر تضعیف باورهای دینی و به چالش کشاندن تعالیم آن و زیر سؤال بردن قضایای اخلاقی و... را در رأس برنامه‌های خود قرار دادند.

صهیونیست‌ها توانستند از طریق طرح و ترویج افکار مارکس، انگلس، داروین، فروید و... در اعتقادات اسلامی و فضایل اخلاقی شبهه ایجاد کنند و از این طریق بر باورهای دینی و اعتقادی مسلمانان لطمه وارد سازند.

در زمینه مسایل اقتصادی نیز اصولاً یهود قومی دنیاطلب و در جمع آوری مال و دنیا حریص و دارای اندیشه‌های فرصت‌طلبانه بوده است و به فرموده‌ی قرآن (وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ [۱۲]).

کافی است بدانیم هم‌اکنون بزرگترین صرافان و مالکین بورسهای جهانی یهودی‌اند و از این طریق توانسته‌اند بر اقتصاد جهان تأثیرگذار باشند.

از نقطه نظر سیاسی و تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری در مسایل مهم جهانی و بین‌المللی هم دارای تأثیر فوق‌العاده‌ای هستند. تسلط کامل بر تصمیمات سیاسی آمریکا به عنوان قدرت قلدر جهان کنونی، وجود حدود ۶۰ وزیر یهودی در دولت کلینتون و حضور بیش از ۲۳ وزیر تام‌الاختیار در دولت‌های بزرگ مانند فرانسه، انگلیس، روسیه، ایتالیا و... نمونه‌ی بارز و گواه صادق اثبات این مدعاست.

تاریخ قدس

شش‌هزار سال قبل از میلاد حضرت مسیح ﷺ عربهای سامی‌نژاد در فلسطین اقامت گزیدند. در هزاره‌ی سوم قبل از میلاد، کنعانی‌های عرب در آنجا استقرار یافتند که به همین علت، فلسطین به سرزمین کنعان شهرت یافت.

این سرزمین مقدس در طول تاریخ، بارها مورد تجاوز و تهاجم اقوام و حکومت‌های مختلف قرار گرفته است. اقوامی که یا خود در آنجا اقامت نموده‌اند و یا سرزمین قدس را به محدوده‌ی جغرافیایی حاکمیت خود الحاق کرده‌اند. اینک به مهمترین حوادث در تاریخ این سرزمین اشاره‌ی مختصری می‌شود.

۱. سال ۱ هـ.ق / ۶۳۶ م: فتح فلسطین توسط سپاه اسلام بر رومیان و فراهم آمدن زمینه فتح شام.

۲. سال ۱۷ هـ.ق / ۶۳۸ م: فتح فلسطین توسط سپاه اسلام در زمان خلافت عمر فاروق رضی الله عنه.

۳. سال ۹۳ هـ.ق / ۱۰۹۹ م: اشغال قدس توسط صلیبی‌ها و تشکیل حکومت و انتخاب قدس به عنوان پایتخت.

۴. سال ۸۳ هـ.ق / ۱۱۸۷ م: جنگ حطین، شکست صلیبی‌ها و پیروزی سپاه اسلام به رهبری صلاح الدین ایوبی.

۵. سال ۶۸ هـ.ق / ۱۲۶۰ م: نبرد عین جالوت که در آن مسلمانان به فرماندهی مظفر قُطُز بر لشکریان تاتار پیروز شدند.

۶. سال ۹۲۲ هـ.ق / ۱۱۶ م: جنگ مرج دابق پیروزی عثمانیها به رهبری سلطان سلیم اول بر سرزمین شام که طی آن فلسطین جزئی از قلمرو حاکمیت عثمانیها گردید و این حاکمیت تا چهار قرن تداوم داشت.

۷. سال ۱۳۳۶ هـ.ق / ۱۹۱۷ م: جنگ جهانی اول و شکست حکومت عثمانی توسط متفقین و به دنبال آن اشغال قدس توسط انگلیسی‌ها و صدور

اعلامیه مشهور بالفور در تاریخ ۱۹۱۷/۱۱/۲ میلادی، که خواستار سرزمینی مختص قوم یهود در فلسطین شد.

۸. سال ۱۳۶۸ هـ.ق / ۱۹۸۸ م: اعلان تشکیل دولت صهیونیستی بر ۷۸ درصد از اراضی فلسطین.

۹. سال ۱۳۷۸ هـ.ق / ۱۹۶۷ م: جنگ حزیران میان اعراب و فلسطین و استیلائی کامل رژیم صهیونیستی بر سایر سرزمین فلسطین و کناره باختری....

۱۰. سال ۱۰۸ هـ.ق / ۱۹۸۷ م: شروع انتفاضه و قیام مردمی فلسطینی‌ها که هم اکنون نیز شعله‌های آن در سراسر عالم مشاهده می‌شود.

جایگاه قدس در آینه‌ی قرآن و سنت

سرزمین قدس و مسجد الاقصی در بین مسلمین از جایگاه رفیعی برخوردار بوده و پس از مکه معظمه و مدینه منوره، سومین کانون توجه و عنایت مسلمانان بوده و هست.

این سرزمین پر برکت در طول تاریخ و در ارتباط با بعثت انبیاء و جانشینی انسان و حمل رسالت و آزمون پیروان ادیان آسمانی، دارای نقش اساسی و محوری بوده است. به همین سبب در قرآن مجید و سنت مطهر آیات و احادیثی در وصف و اهمیت آن آمده است، که در زیر به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

الف) آیات مبارکه:

۱- (سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ) [۱۳]

۲- (وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي) [۱۴] (بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ) [۱۵]

۳- (فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِن شَاطِئِ الْوَادِي الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ) [۱۶] (الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ) [۱۷]

۴- (يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ) [۱۸]

۵- (وَالْتَيْنِ وَالزَّيْتُونَ وَطُورِ سَيْنِينَ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ) [۱۹]

۶- (وَأَسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ) [۲۰]

منظور دمیدن اسرافیل در صور است، که هنگامه‌ی رستاخیز است و همگان را به زنده شدن فرا می‌خواند.

چنانچه در حدیث شریف آمده است، سرزمین فلسطین محل حشر و نشر و جایگاه حسابرسی نهایی است، که اسرافیل در بیت المقدس و بر فراز صخره ندا در می‌دهد.

۷- (فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ) [۲۱]

(ب) احادیث:

۱- عن أنس رضی الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ:

(أتيت بالبراق فركبته حتى أتيت بيت المقدس فربطته بالحلقة التي يربط فيها الانبياء، ثم دخلت المسجد فصليت فيه ركعتين ثم عرج بي الى السماء [۲۲].)
انس رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود:

براق وسیله‌ای که پیامبر ﷺ در سفر اسراء و معراج و پیمودن آسمان بر آن سوار بود- برایم آورده شد. بر آن سوار شدم تا به بیت المقدس رسیدم. پس آن را به حلقه‌ای بستم که پیامبران بدان می‌بستند. وارد مسجد (بیت المقدس) شدم و دو رکعت نماز به جای آوردم. سپس به عروج در آسمان برده شدم.

۲- عن ابی هريرة رضی الله عنه، قال: قال رسول الله ﷺ:

(لا تشد الرحال إلى ثلاثة مساجد: المسجد الحرام و مسجد الرسول و مسجد الاقصی [۲۳].)

آهنگ سفر و باربندی جایز نیست مگر به قصد زیارت و عبادت در سه مسجد: مسجد الحرام (مکه)، مسجد پیامبر (مدینه) و مسجد الاقصی (فلسطین).

۳- عن میمونة مولاة النبی قالت: قلت یا رسول الله ﷺ: (أقتنا فی بیت المقدس، قال ارض المحشر و المنشر، اتتوه فصلوا فیہ فان صلوة فیہ کالف صلوة فی غیره... [۲۴]).

از میمونه جاریه پیامبر ﷺ روایت شده که گفت: گفتم ای رسول خدا ﷺ در مورد بیت المقدس ما را راهنمایی و ارشاد فرما. فرمود: سرزمین حشر و نشر، بدانجا بروید و در آنجا نماز به جای آورید، همانا که به جا آوردن یک نماز در آن، برابر هزار نماز در جای دیگر می‌باشد. تمامی آیات و احادیث مذکور، در خصوص سرزمین فلسطین و بیت المقدس، بیانگر منزلت رفیع و ارزشمند آن می‌باشد. کما اینکه این سرزمین عزیز، بخش عظیمی از تاریخ ادیان آسمانی را به خود اختصاص داده است.

این سرزمین، مکان اسرا و عروج پیامبر ﷺ، اولین قبله‌ی مسلمین و سومین حرم شریف، جایگاه نزول آیات و ورود ملائک و سرزمین نور و رحمت و برکت است.

سرزمین پیامبران بزرگواری چون حضرت ابراهیم، حضرت اسحاق، حضرت یعقوب، حضرت یوسف، حضرت لوط، حضرت سلیمان، حضرت داود، حضرت صالح، حضرت زکریا، حضرت یحیی و حضرت عیسی علیهم السلام می‌باشد.

همچنین سرزمین ائمه‌ی بزرگواری چون امام شافعی (غزه) امام حافظ عسقلانی (عسقلان)، امام ابن قدامه مقدسی (بیت المقدس) و امام احمد بن حسین رملی (شهر رمله) می‌باشد.

سخن بزرگان درباره‌ی قدس

از سخنان صلاح الدین ایوبی قبل از فتح قدس!

پروردگارا! از وسایل و ابزار مادی و بشری جهت پیروزی دینت قطع امید کرده و جز مدد جستن از تو و چنگ‌زدن به ریسمان نصرتت و اعتماد بر بخشش و بزرگواریت، چاره‌ای نیست که تنها تو مرا کفایت می‌کنی و تو بهترین پشتیبانی. (صلاح الدین ایوبی)

من از عموم مسلمانان جهان و دولت‌های اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن به هم بپیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می‌کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است، و می‌تواند تعیین‌کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به عنوان «روز قدس» انتخاب، و طی مراسمی همبستگی بین‌المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند. از خداوند متعال پیروزی مسلمانان را بر اهل کفر خواستارم. (امام خمینی)

قضیه‌ی فلسطین هیچگاه به فراموشی سپرده نمی‌شود؛ چرا که یاد و خاطره‌ی آن تا ابد در دل هر مسلمانی زنده است. آیا امکان دارد یک میلیارد مسلمان، فلسطین را به فراموشی بسپارند؟ مردمان در راه عقیده جان می‌دهند، ولی هیچ عقیده‌ای به خاطر زندگی آدمی نمی‌میرد. (شیخ علی طنطاوی)

زمان آن فرا رسیده است که همه مسلمانان جهان صرف نظر از نژاد، زبان و فرهنگ، و تنها بر اساس غیرت و باور دینی، برای یاری رساندن به قدس اسیر، دست به دست هم داده و متحد شوند. (شیخ ابوالحسن ندوی)

من از هر اقدامی که در راستای خدمت به قدس شریف و مسجد الاقصی صورت پذیرد و جامعه‌ی اسلامی را به اهمیت آن واقف نماید، و موجب بیداری امت اسلامی و ایفای وظایف خطیرشان نسبت به آزادی قدس گردد، استقبال می‌نمایم. (شیخ یوسف قرضاوی)

پدر و مادرم فدایت باد ای جایگاه اسرای پیامبر ﷺ چه گرانقدر است منزلت تو در نزد ما، ای مسجد دربند! و چه گرانبها است حرم تو! چقدر مشتاقم که در حریم امن تو نماز بگذارم، آن هنگام که از هر قید و بندی آزادی. (زینب غزالی)

حادثه‌ی اسراء و معراج

(پیوند زمین با آسمان)

معجزه‌ی اسراء هم از طریق قرآن و هم از طریق سنت اثبات می‌شود. حادثه‌ی منحصر به فردی که تنها نسبت به پیامبر عظیم‌الشأن اسلام حضرت محمد ﷺ اتفاق افتاده است. با وجود اینکه در مورد کیفیت وقوع آن اختلاف نظرهایی وجود دارد، اما جمهور مسلمین بر عروج همزمان روح و جسم مبارک پیامبر اتفاق نظر دارند.

این حادثه زمانی اتفاق می‌افتد که حضرت ﷺ، به شدت مورد اذیت و آزار قریش قرار می‌گرفت. خداوند به سبب تکریم و تثبیت پیامبر و نشان دادن قدرت و عظمت و نشانه‌های خویش، وی را به میهمانی خود دعوت فرمود.

از معجزه‌ی معراج می‌آموزیم که:

۱. مسجد الحرام و مسجد الاقصی در پیوندی مقدس و ملکوتی، با هم مرتبط می‌باشند، و ختم رسالات انبیا توسط خاتم را نوید می‌دهد.

۲. دعوت پیامبر به میهمانی معراج هنگام آزار و اذیت مخصوصاً در سفر طائف - نشانگر تکریم خداوند به منظور تجدید عهد و تقویت اراده‌ی فرستاده و امین و رسول خود و نمایاندن آیات و نشانه‌های قدرت و عظمت در گستره‌ی آسمانها بود.

۳. در واجب‌شدن نمازهای پنجگانه بر امت محمد ﷺ، هنگام میهمانی آسمانی، حکمتی نهفته است. گویی خداوند بزرگ به امت محمد ﷺ ندا می‌دهد:

گرچه اجازه ندارید و نمی‌توانید مانند رهبر و پیشوایان محمد با روح و جسمتان به ملکوت آسمانها و تا سدره‌المنتهی پرواز نمایید، اما می‌توانید با انجام نمازهای پنجگانه در طول شبانه‌روز، چندین بار با دل‌هایتان به سوی من برگشایید و با فاصله‌گرفتن از مطامع فانی دنیوی و آرزوهای نفسانی، شاهد عظمت و وحدانیت خدایان باشید. تا نسیم دلنواز آرامش بر گلستان وجودتان بدمد و به سعادت امروز دنیایی و فردایی آخرت نایل آید.

شبی بر نشست از فلک برگذشت
به تمکین و جاه از ملک در گذشت
چنان گرم در تیه قربت براند
که در سدره جبریل از او بازماند
بدو گفت سالار بیت الحرام
که ای حامل وحی! برتر خرام
چو در دوستی مخلصم یافتی
بگفتا فراتر مجالم نماند
بماندم که نیروی بالم نماند
اگر یک سرِ موی برتر پرم
فروغ تجلی بسوزد پرم [۲۵]

احکام ویژه‌ی مسجد الاقصی

(استحباب عزم سفر بیت المقدس و زیارت آن)

علمای اسلام بر مستحب بودن سفر به قدس شریف، جهت زیارت بیت المقدس و ادای نماز و قرائت قرآن و دعا و اعتکاف در آن، اتفاق نظر دارند.

با توجه به فرموده‌ی پیامبر بزرگوار اسلام، قدس در ردیف حرمین شریفین (مکه و مدینه) از جهت اختصاص عزم سفر کردن و رفتن به سوی آنها جهت زیارت و نماز خواندن و... قرار دارد.

فلسطین سرزمین شهدا

شاید بتوان گفت کمترین جایی را می‌توان یافت که همچون سرزمین قدس، به خون پاک شهیدان رنگین نشده باشد. و این خود از یک طرف نشانه تجاوزات مکرر دشمنان نسبت به این سرزمین مقدس در طول تاریخ اسلام می‌باشد، و از طرف دیگر بیانگر منزلت و جایگاه آن نزد مسلمانان و مبارزه و تلاش آنها در جهت حفظ و دفاع و آزادی آن در برابر دشمنان تجاوزگر.

الف) هنگام فتح شام در زمان خلیفه‌ی دوم حضرت عمر فاروق رضی الله عنه، به فرماندهی ابو عبیده و خالد بن ولید، که تعداد زیادی از اصحاب بزرگوار به درجه رفیع شهادت نایل آمدند و خون پاکشان در سرزمین بیت المقدس به نشانه‌ی اخلاص و ایمانشان، به یادگار ماند.

ب) هنگام سقوط قدس به دست صلیبی‌های کینه‌توز در سال ۹۳ هـ ق / ۱۰۹۹ م نیز دهها هزار نفر شهید شدند. کافی است بدانیم که صلیبی‌ها یکبار

هنگام ورود به مسجد الاقصی هفتاد هزار نفر را قتل‌عام کردند. آن هم به بیرحمانه‌ترین شیوه‌ها، از قبیل بریدن سر، به صلیب کشیدن، پاره کردن شکم و سوزاندن در آتش.

ج) هنگام فتح بیت المقدس توسط سردار سرافراز اسلام، صلاح‌الدین ایوبی، هزاران سرباز فداکار اسلام، جان خود را فدای قدس شریف نمودند.

ه) هنگام تهاجم مغول‌های تاتار به سرزمین‌های شرق اسلامی.

و) سقوط بغداد و ورود به شام، مسلمانان در جنگ و پیکار عین جالوت در سال ۵۶۸ ه.ق/ ۱۲۶۰م. هزاران شهید را به سرزمین اسراء تقدیم کردند.

در زمان تهاجم فرانسویان به فلسطین در سال ۱۲۱ ه.ق/ ۱۷۹۹م. به فرماندهی ناپلئون بناپارت، صدها نفر از مسلمانان شهید شدند.

و بالاخره با اشغال فلسطین توسط انگلیسی‌ها در سال ۱۳۳۶ ه.ق/ ۱۹۱۷م. و فراهم آمدن زمینه استقرار و اسکان گروه‌های یهودی در سرزمین قدس، دسته‌های مجاهد بسیاری به مقابله با آنها پرداختند که شهدای متعددی حاصل مبارزات مکرر آنهاست.

در طول چهل سال گذشته نیز هر روز شاهد پرپر شدن گلهای دیگری از بوستان فلسطین و گلستان شهدا هستیم. از شهید عزالدین قسام گرفته تا شهید فتحی شقاقی شهید سیدعباس موسوی، و از شهید عماد عقل و محمد عباش گرفته، تا محمد جمال‌الدوره و ساره خردسال‌ترین شهید فلسطین.

از قتل عام مدرسه‌ی بحر البقر گرفته تا صبرا و شتیلا و قانا و کفر قاسم و از کشتار حرم ابراهیمی گرفته تا کشتار مسجد الاقصی...

آری قافله‌ی شهدا یکی پس از دیگری به ملکوت اعلا می‌پیوندند و روح پاک خود را فدای قدس شریف و بیت المقدس می‌نمایند تا قدس و مسجد الاقصی همچنان آزاد و سرافراز باقی بماند.

آنچه گذشت، صرفاً حکایت و قصه نبود. شعر و تاریخ و سرگذشت هم نبود، بلکه صفحات زرین و درخشان از تاریخ ملتی بود که ریشه در اعماق اعتقاد و اصالت دارد. ملتی مبارز و آزادیخواه که تنها به جرم نپذیرفتن ظلم و تأیید نکردن غصب و اسارت محکوم به مرگ است.

آنچه گذشت سخن از تنهایی جانکاه ملتی بود که برای احقاق حق خود از کمترین حمایتی برخوردار نیست. ملتی که از یک طرف قربانی جنایت دشمنان و از سویی فدای خیانت دوست‌نمایان شده است. سخن از فلسطین، نجوای شاعرانه و مناجات عارفانه‌ی همه‌ی انسانهای آزاد اندیش و حق طلبی است که هیچ‌گاه حقیقت را قربانی هیچ‌گرایش و منفعتی نمی‌کنند. سخن از فلسطین...

سخن از الخلیل است، از ابراهیم علیه السلام و همسرش ساره.

از مرم دختر عمران و فرزندش عیسی علیه السلام

از نابلس، سرزمین پربرکت انجیل و زیتون.

از غزه، از دیار امام شافعی رحمته الله علیه

از یافا، زیبای ناآرام اقبانوس آرام.

از قبله‌ی اول مسلمین و سومین حرم شریف.

از سرزمین عروج پیامبر عظیم‌الشان اسلام.

سخن از قلب دنیای اسلام است. آنجا که برادران و خواهرانمان هر روز ما را به یاری می‌خوانند.

سخن از مبارزه حق و باطل است.

سخن از سنگ است، از خون، از نبرد آهن و گوشت.

در فلسطین قلمها جز خون نمی‌نویسند، کتابها جز آزادی نمی‌آموزند و دستها جز سنگ نمی‌جویند.

آنجا فریادها همیشه به گوش می‌رسد، تا بلندای ایثار و شهادت.

مردمانش، مردمانی صبور، مبارز، و مجاهدانی خستگی‌ناپذیر.

دستانشان، دستانی بر آسمان و چشمانشان، چشمانی منتظر که برای تحقق وعده‌ی حق و پیروزی نهایی، لحظه‌شماری می‌کنند.

همین دیروز بود که ابو عبیده و خالد بر قدس گذشتند، و خلیفه راشد

عمر بن خطاب رضی الله عنه پس از فتح قدس به نوشتن معاهده مبادرت نمود. هنوز صدای

تکبیر سپاه صلاح‌الدین ایوبی از کوچه‌پس‌کوچه‌های بیت المقدس به گوش

می‌رسد!

یاد آن ایام و روزها بخیر!

ما چه کرده‌ایم؟

اکنون زمان آن رسیده است که احساس ایمانی خود را نسبت به مسأله‌ی فلسطین محک بزنی و میزان اهمیت آن را از دیدگاه خود برآورد کنیم. اکنون زمان عملی کردن حرفها فرا رسیده است و زمان آن است که اعتقاد به وحدانیت الهی و رسالت پیامبر ﷺ را عملاً اثبات نماییم و به انتظار ثمربخشی اخوت اسلامی بنشینیم.

دیگرگاهی است که فلسطین تنهاست. دیگر به ستوه آمده و کاسه‌ی صبرش پر شده است. اکنون فلسطین چشم به راه گامهای استواری است که برای حمایت از اهداف انتفاضه و خواسته‌های برحق مردمش، برداشته می‌شود.

فلسطین نیازمند مردمان معتقد، مجاهد و توانمندی است که بار دیگر پرچم با شکوه و پیروز ماندن لا اله الا الله و محمد رسول الله را در جای جای سرزمین توحید و نبوت برافراشته کنند.

فلسطین به ما می‌گوید: ای امت محمد ﷺ ما عزیزترین‌هایمان را برای آزادی قبله فدا کرده و می‌کنیم.

از شهدای جنگ یرموک گرفته تا شهید عزالدین قسام و شهدای انتفاضه قدس.

قدس هر روز ما را به یاری فرا می‌خواند و به ما نهیب می‌زند که: عزیزان ما را یکی پس از دیگری در مسلخ فلسطین به خاک و خون می‌کشند!

با این حال دمی از پا نمی‌نشینیم و نمی‌گذاریم انقلابمان هرگز به خاموشی بگراید. انقلاب ما انقلابی نیست که در نتیجه‌ی یک حکومت نابهنگام به وجود

آمده یا محصول تمایلات شخصی باشد. انقلاب ما تجلی آگاهانه‌ی ضرورت‌های عینی جامعه‌ی ماست و جلوگیری از آن همانند ممانعت از تندبادهای سهمگین غیرممکن است.

ما می‌دانیم که قدس از آن ماست و روزی به دامان امت اسلامی بازگردانده می‌شود. می‌دانیم روزی فراخواهد رسید که سیل اشک و خون و دعا و حماسه و جهاد، کاخ بیدادگر رژیم غاصب صهیونیستی را ویران خواهد کرد. روزی که مسجد الاقصی و بیت المقدس و فلسطین، سرزمین صلح و امان باشد و آن روز در روزشمار صالحان زمین، دیر نخواهد بود.

ما به حقانیت مبارزه‌ی خود و به نصر الهی ایمان داریم. ما معتقدیم این حق مشروع یک ملت است که در سرزمین خود آزاد باشد و حق تعیین سرنوشت خود را داشته باشد. ما می‌دانیم که جهان‌بینی دشمنان ما آنقدر محدود و تنگ است که تنها ظواهر حیات دنیوی را در بر می‌گیرد و آنها حاضر نیستند به هیچ قیمتی لذت‌های دنیوی و آمال حقیر خود را از دست بدهند. بنابر این کافی است ما به رسالت خود «ایمان» بیاوریم و به حقانیت را همان «اعتقاد» داشته‌باشیم و حقیقت دعوت نبوی را چون چراغی بر فرازراه مد نظر داشته باشیم. در این صورت به یاری خدا پیرو و سربلند هر دو جهان خواهیم بود.

دوستان ما و همه‌ی کسانی که به نوعی دلشان به حال ما می‌سوزد و به حقانیت مبارزه و جهاد ما اعتقاد دارند، تا زمانی که چنین اندیشه‌ای نداشته باشند، کاری از دستشان برنمی‌آید...

آری این چنین است برادر!

این ندای جاوید فلسطین و دعوت فراگیر آزادی خواهان آن است. اکنون ما نیز به عنوان افرادی از این امت و شاگردان و سربازان مکتب محمدی ﷺ برخیزیم و گامی فرا پیش نهمیم.

برخیزیم و با برداشتن سلاحهایی که با هدایت قرآن مسلّحند به حمایت از مسلمانان مظلوم فلسطین پردازیم.

ما نوادگان قرآن و پیروان فرامین خدا و بیانات پیامبر اسلام و فرزندان صلاح‌الدین‌ها هستیم. نگذاریم دستهای آلوده و قدمهای ملوث دشمنان قسم‌خورده‌ی اسلام وایمان، بیش از این آزادانه سرزمین مقدس اسلامی را زجر بدهند.

ما از خواب‌گران برخاسته‌ایم و با بیداری اسلامی خود می‌رویم تا فضیلت‌های فراموش شده و کرامت‌های پایمال شده‌ی خود را دوباره احیاء نماییم.

ما خواب‌آنهایی را که آرزوی ذلت و اسار مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی را در سر می‌پروراند، آشفته می‌کنیم.

ما به دعوت قرآنی «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا» لیبیک می‌گوییم و با چشم پوشی از اختلافات جزئی و جانبی، حول محور فلسطین که اولین و مهم‌ترین قضیه‌ی دنیای اسلام است، متحد می‌شویم زیرا ما فرزندان مشروع دین و امتی هستیم که همواره از غیر ممکن‌ها، ممکن ساخته است.

تا کنون نیز هر کدام از ما تا جایی که توانسته و به هر صورتی که برایش مقدور بوده است، به این امر توجه داشته است، اما انی دیگر کافی نیست؛ چرا که مبارزه‌ای بی‌امان درگرفته و ملّتی تنها، با دشمنی به اسلحه‌های پیشرفته و

حمایت شده از جانب استکبار جهانی درافتاده است. حال که چنین است ما نیز به کاروان جهادگران مسلمانی پیوندیم که شهادت در راه خدا بزرگترین آرزوی خود می‌دانند.

از این پس در راه دفاع از حقوق حقّی ملتّ مسلمان فلسطین از هیچ کوششی فروگذار نکنیم و حتی اگر لازم باشد از کالاها و مصنوعات کارخانه‌های آنها نیز استفاده نکنیم و آنهایی را که سرزمین اسلامی را به عنوان بازاری برای فروش محصولات خود قلمداد می‌کنند ناکام گذاریم؛ همچنانکه در هیم اواخر فقهای مسلمانی نظیر دکتر یوسف قرضاوی حکم تحریم پاره‌ای از کالاهای آمریکایی و اسرائیلی را صادر فرموده و عملاً فروشندگان آنها را با ورشکستگی مواجه ساخته‌اند.

البته این هم در تاریخ اسلام امر تازه‌ای نیست. ما پیروان و فرزندان مسلمانانی هستیم که سه سال در شعب ابی‌طالب عملاً مشرکین زورگو را تحریم کردند، (هر چند که در ظاهر خود آنها زندانی و مورد تحریم بودند) ولی در آخر آنها را شکست دادند.

در پایان برای مجاهدان شهید فلسطینی دعا می‌کنیم که ان‌شاءالله روحشان در جوار رحمت الهی آسوده، جانشان مالا مال از تنعم و لذت جاودانگی و راه پاکشان پر رهرو باد!

پروردگارا! به خواهران و برادران ایمانی ما در فلسطین، صبر و استقامتی عطا کن که سستی و رخوت در مبارزه، بر آنان راه نیابد.

الهی! سرزمین عزیز قدس را که خود بارها از پاکی و آبادانی و صلح و امان آن یاد کرده‌ای، از لوٹ غاصبان و ارهان!

خداوندا! به امت اسلامی چنان بینشی عطا کن، که به دور از هر گونه
تعصب و نژادپرستی و تنگ‌نظری و بی‌تفاوتی، ملت مسلمان فلسطین را تا
پیروزی نهایی، یاری رسان باشند.

وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ. [۳۰]

یاری اندر کس نمی‌بینم یاران را چه شد؟
دوستی کی آخر آمد، دوستداران را چه شد؟
آب حیوان تیره گون شد، خضر فرخ پی کجاست؟
خون چکید از شاخ گل، باد بهاران را چه شد؟
کس نمی‌گوید که یاری داشت حق دوستی
حق شناسان را چه حال افتاد، یاران را چه شد؟
لعلی از کان مروّت برنیامد سال‌هاست
تابش خورشید و سعی باد و باران را چه شد؟
شهریاران بود و خاک مهربانان این دیار
مهربانی کی سرآمد، شهریاران را چه شد؟
گوی توفیق و کرامت در میان افکنده‌اند
کس به میدان در نمی‌آید، سواران را چه شد؟
صد هزاران گل شکفت و بانگ مرغی برنخاست
عندلیبان را چه پیش آمد، هزاران را چه شد؟

«حافظ»

عذرا یا صلاح الدین عذرا!

مبادئ دیننا و بها الفتوح	صلاح الدین عذراً هجرنا
فعدنا فی المحافل نستریح	ترکنا ما به سدنا و قدنا
فهدی حالنا و لمن نبوح	فعدراً یا صلاح الدین عذراً

فرازهایی از معاهده خلیفه دوم عمر بن خطاب پس از فتح فلسطین که هم اکنون نیز در کلیسای القیامه قدس موجود است.

بسم الله الرحمن الرحيم

این امان‌نامه‌ای است که بنده‌ی خدا و امیر مؤمنان عمر، به مردم ایلیاء (قدس) داده است. که بر اساس آن نباید به جان و مال و معابد و کلیساهای آنان تعرض شود و مردمان شهر مورد اذیت قرار گیرند. همچنین نباید کلیساهای آنان اشغال یا تخریب شده و به صلیبشان اهانت شود و از ارزش و اعتبار پول و دارایی آنان کاسته شود.

آنان در اجرای مراسم دینی خویش آزادند و نباید به هیچ کدامشان آسیبی رسانده شود، و نباید یهودیان در کنار آنان در بیت المقدس سکونت گزینند...

منابع و ارجاعات



- [۱] - آل عمران/۱۰۳: «... گودالی از آتش...».
- [۲] - همان: «... و نعمت خود را بر خود به یاد آورید بدانگاه که (برای همدیگر) دشمنانی بودید و خدا میان دلهایتان (انس و الفت برقرار و آنها را به هم) پیوند داد. پس (در پرتو نعمت او برای هم) برادرانی شدید...».
- [۳] - الاحزاب/۲۱: «... سرمشق و الگوی زیبا...».
- [۴] - آل عمران/۱۱۰: «شما (ای پیروان محمد!) بهترین امتی هستید که به سود انسانها آفریده شده‌اید...».
- [۵] - الحجرات/۱۰: «فقط مؤمنان برادر همدیگرند...».
- [۶] - توبه/۳۰.
- [۷] - آل عمران/۱۸۱.
- [۸] - مائده/۶.
- [۹] - بقره/۶۱.
- [۱۰] - برای اطلاع بیشتر در این خصوص رک: البقره / ۶۱، ۷۸ و النساء/۱؛ المائده / ۷۰ و آل عمران / ۲۱.
- [۱۱] - منظور از هیکل معبد است که تا کنون دو بار تخریب شده و اکنون در تلاشند تا برای بار سوم آن را بنا نهند و مقدمات آن را با کشیدن تونل شروع کرده‌اند.
- [۱۲] - بقره/۹۶.

[۱۳] - الاسراء/۱: «تسبیح و تنزیه خداوندی را سزااست که بنده‌ی خود

محمد- را شبانگاهی از مسجد الحرام به مسجد الاقصی سرزمینی که پر از خیر و برکت نموده‌ایم- برد.»

[۱۴] - روح المعانی ج ۱۷ ص ۷۰؛ تفسیر کبیر، امام فخر رازی ج ۸ صص

۱۶۰-۱۹.

[۱۵] - الانبیاء/۷۱: «و او(حضرت ابراهیم) و لوط(برادرزاده‌اش) را از

مکر و شر کافران رستگار و به سرزمینی گسیل داشتیم که آن را برای جهانیان پرخیر و برکت ساخته‌ایم.»

[۱۶] - روح المعانی ج ۲۰ ص ۷۲؛ تفسیر کبیر، امام فخر رازی ج ۸ ص ۹.

[۱۷] - القصص/۳۰: «هنگامی که موسی کنار آن(آتش) آمد، از کنار

سرزمینی راست در منطقه مبارکی(کوه طور) از میان درختی ندا برآمد: ای موسی! من خدایم، پروردگار جهانیان.»

[۱۸] - المائده/۲۱: «ای قوم من! به سرزمینی وارد شوید که خداوند ورود

بدانجا را برای شما مقدر فرموده است.»

[۱۹] - التین/۱-۳: «سوگند به انجیر و زیتون و سوگند به طور

سینین(کوهی در صحرای سینا که حضرت موسی علیه السلام بر فراز آن به مناجات با خداند می‌پرداخت) و سوگند به این شهر دارای امن و امان(شهر مکه).»

[۲۰] - ق/۱: «گوش فرا ده(ای محمد)، روزی که ندا دهنده(اسرافیل)، از

جای نزدیکی ندا در می‌دهد.»

[۲۱] - النور/۳۶: «در خانه‌هایی(مساجد) که خداوند اجازه داده است تا

بیا داشته شوند و نام مبارک او ذکر شود؛ سحرگهان و شامگهان به تنزیه و تقدیس او می‌پردازد» -عکرمه فرمود: «اشاره است به چهار مسجد: کعبه، مسجد

قباء، مسجد مدینه و بیت المقدس است ابن کثیر ج ص ۲۷؛ فخر رازی ج ۸ ص ۳۹۸»

[۲۲] - به روایت مسلم (۱/۱) کتاب ایمان (۷) باب الاسراء برسول الله، شماره (۲۹).

[۲۳] - به روایت امام بخاری (۳/۸۶) (۲۰) کتاب فضل الصلوة فی مسجد مکه و المدینه شماره حدیث (۱۱۸۹) و امام مسلم در (۲/۲۰۱) کتاب حج باب لات شد... شماره (۱۱).

[۴۲] - به روایت امام احمد (۶/۶۳)، امام ابوداود (۱/۳۱) کتاب الصلوه (۱) باب من السرج فی المساجد شماره (۷) و امام ابن ماجه (۱/۱)، مصباح الزجاج (۱/۲۰) صیغ و رجاله ثقات.

[۲۵] - سعدی شیرازی

[۲۶] - صحیح مسلم، شرح نووی ۱۶۸/۹.

[۲۷] - صحیح مسلم، شرح نووی ۱۶۸/۹.

[۲۸] - الهیثمی، مجمع الزوائد /۷.

[۲۹] - مسند امام احمد ۲۹۹/۶.

[۳۰] - الحج/۰: و قطعاً خدا به کسی که (دین) او را یاری می‌کند، یاری

می‌دهد، چرا که خدا سخت نیرومند شکست‌ناپذیر است.